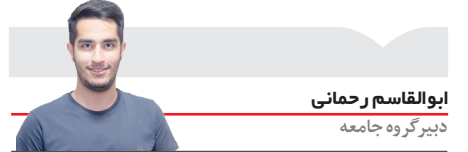


نگاهی به مصائب صیانت از محیط زیست

محیط بانان با دست های خالی



ابوالقاسم رحمانی
دبیر گروه جامعه

بعد از اتفاقات و آتش سوزی های اخیر که دامن اندک پوشش گیاهی باقی مانده در کشورمان را گرفت، با چند نفر از محیط بانان حرف می زدیم. راستش را بخواهید، قصد مصاحبه

داشتم اما برای مصاحبه حرف نمی زدند. علت قانع کننده ای هم داشتند. می گفتند اول سال هاست در ارتباط با مشکلاتی که در کار و حرفه شان دارند با هزار مدل رسانه و مسئول وفلان و بهمان حرف زده اند، در ریخ از ایجاد اندک گشایشی در امور کاری و زندگی شان. دوم هم اینکه اگر نامی از آنها برده شود همسین نیمچه کار و فعالیت اقتصادی را که در این وضعیت

بد به آن مشغولند و نانی به سفره خانواده شان می برند هم از دست می دهند. کماینگه پیش از این هم چنین اتفاقاتی برای سایر همکاران افتاده بود. خلاصه که بعد از تماس های زیاد بالاخره موفق شدم؛ به قید اینکه نامی از این محیط بان با تخریب نبرم و نانش را آجر نکنم. هر چند او هم خیلی حرف نزد و همچنان بر همان اعتقاد کارگشا نبودن این حرف زدنها

و گله گذاری ها بود. به هر طریق در ارتباط با مصائبی که با آنها دست و پنجه نرم می کنند به «فرهیختگان» گفت: «شاید مهم ترین چیزی که ما سال ها انتظار آن را می کشیم، حمایت است. ما هیچ آزادی عمل، اقتدار و امنیتی نداریم. منظورم از امنیت هم امنیت جانی است و هم امنیت مالی و اقتصادی. حقوقی که به ما تعلق می گیرد، به سختی کفاف

مخارج زندگی را در ۱۰ روز اول ماه می دهد. در محیط بانان ایران از ابزار به روز و پیشرفته استفاده نمی شود و همین کار ما را خیلی سخت می کند. بسیاری از همکارانم به دلیل ترس از استفاده از سلاح و عدم مواجهه منطقی با شکارچیان و مردم محلی به سادگی جان شان را از دست می دهند و این اصلا اتفاق خوبی نیست.»

ما طی سال های اخیر ۱۳۰ شهید محیط بان داشته ایم، در حالی که در آمریکا طی ۹۰ سال ۲۵ محیط بان جان شان را از دست دادند

حرف های محیط بان مفصل بود، اما خوب، نه خودش راضی به انتشار بیش از این بود (به خاطر ترس از عواقبی که ممکن بود برای او داشته باشد) و نه من امکان انتشار همه آن را دارم. خلاصه سراغ محمد درویش، فعال و پژوهشگر محیط زیست رفتم و در گفت و گو با او به شرح مصائب و مشکلاتی که محیط بانان در کشور دارند، پرداختیم و البته اطلاعات و آمار خوبی هم این مدیر سابق سازمان حفاظت محیط زیست ارائه کرد که

دانستن آنها حتما تصویر روشنی از فضای موجود و حاکم بر محیط بانان و محیط بانان در کشور برای ما به نمایش می گذارد. درویش در ابتدا به آمار اسفناک تعداد شهدای محیط بانان در ایران اشاره کرد و با قیاس این آمار با تعداد محیط بانان کشته شده در سایر کشورها، گفت: «بیش از ۱۳۰ نفر از محیط بانان ما تاکنون شهید شده اند. صدها نفر هم زخمی شده اند و خانه و خانواده بسیاری از آنها هم آسیب دیده است. یک جنگ

اعلام نشده بین محیط بانان و متخلفان که اغلب جامعه محلی هستند، ایجاد شده است. مساله غم انگیز این است که در هیچ جای دنیا امکان ندارد یگان های حفاظت محیط زیست تا این حد در معرض خطر از دست دادن جان و تهدیدات مالی باشند. اگر این را با نا امن ترین کشورهای آفریقایی مقایسه کنید، نگرها در آنجا هم این میزان تلفات نداده اند. در ایالات متحده آمریکا که پنج برابر ایران وسعت مناطق حفاظت شده دارد،

افزایش شکار، جنگل خواری و قاچاق چوب به دلیل نبود حمایت سیستم از محیط بانان است

محمد درویش در ادامه با انتقاد از این رویه که مشکلات زیست محیطی و ضعف در محیط بانان را به گردن مردم می اندازند، گفت: «نباید این اتهام را برنیم که مردم فهم درستی در حوزه محیط زیست ندارند و باید تنبیهات را بیشتر کنیم. این مردم همان مردمی هستند که جان برکف الان آتش را خاموش می کنند که چهار نفر از مردم هم برای همین از خودگذشتگی امسال شهید شدند. هر موقع که از مردم درخواست کمک می کنیم، کمک می کنند پس مردم مشکلی ندارند بلکه نوع مدیریت در حوزه محیط زیست و منابع طبیعی به شدت مردم گریز است و به شدت سهم اندکی از شیوه های جلب مشارکت مردمی و تکنولوژی های روز دارد. این خطر ایجاد می کند.

این بی اعتمادی ایجاد می کند. در همه جای دنیا محیط بانان به تجهیزات سنجش از راه دور مجهز هستند. به این ترتیب می توانند منطقه مورد مدیریت خود را با استفاده از این تجهیزات و دوربین های مخصوص مورد بررسی قرار دهند. اگر متخلفی وارد منطقه شد، به راحتی با این دوربین ها شناسایی کرده و به دادگاه و دادستانی معرفی کنند. نیازی نیست محیط بان یا جنگل بان با متخلف درگیر شود که قتل یا جرحی اتفاق بیفتد. ما همچنان با همان روش های بدوی انتظار داریم محیط بانان با سلاح های در دست که نمی تواند از آن استفاده کند، به جنگ متخلفان برود. مشخص است حاصل این می شود. محیط بان اگر شانس بیاورد و اولین تیر به سمت او شلیک شود

و کشته نشود، حق دارد دفاع کند و شلیک کند ولی اگر بخواهد خود به مدیریت و حل و فصل کردن مشکل اقدام و متخلف را دستگیر کند و متخلف بخواهد مقاومت کند و این میان درگیری اتفاق بیفتد و نتواند ثابت کند اولین تیر را او شلیک کرده است، محکوم به اعدام می شود، همان طور که هشت نفر تاکنون محکوم به اعدام شده اند و یک نفر هم سال گذشته از محیط بانان ما اعدام شد. چه انگیزه ای برای محیط بان باقی می ماند که وقتی این مشکل ایجاد می شود از مایملک تحت امر خود حفاظت شایسته کند. اگر تخلفات بیشتر می شود و می بینید گروهی چشم بر شکار و تخلف می بندند و شکار غیرمجاز افزایش می یابد، قاچاق چوب و زغال

افزایش می یابد، به خاطر این است که محیط بان یا جنگل بان می گوید سیستم از من دفاعی نمی کند، چرا باید خود را فدا کنیم که چنین مشکلی ایجاد شود. اصل ماجرا این است که باید با استفاده از تکنولوژی های روز با تخلفات مقابله کنیم. مایک سازمان فضایی داریم که اتفاقا این امکانات را به راحتی می تواند در اختیار سازمان محیط زیست و سازمان جنگل ها و مراتع و آبخیزداری کشور قرار دهد. به جای اینکه محیط بان را مجهز به آخرین سلاح های کشنده روز و جلیقه ضد گلوله کنیم یا آنها را مجهز به دستگاه های فناوریانه روز کنیم تا بتوانند در همان مفری که نشسته اند همه منطقه خود را تحت پوشش قرار دهند.»

مدیریت ضعیف محیط زیست از محیط بانان چهره نامحسوس بین جامعه محلی ساخته است

این فعال محیط زیست در ادامه با انتقاد از رویه موجود و مدل مدیریتی موجود در سیستم محیط بانان کشور خاطرنشان کرد: «محیط بان باید آموزش ببیند، باید طرز مجاب کردن جامعه محلی را آموزش ببیند، نه اینکه فکر کند با استفاده از فننگ خود می تواند جامعه محلی را مجاب کند، چقدر

این آموزش ها را در سازمان محیط زیست یا سازمان جنگل ها می دهیم؟ اینها نیاز به هزینه کدهای نرم افزاری دارد. اینها نیاز دارد محیط بانان و جنگل بانان بتوانند با هم تایان خود در کشورهای دیگر ملاقات کنند و از تجربه های آنها استفاده کنند ولی سازمان های بی بضاعت جنگل و مراتع و

محیط زیست که حتی پول ندارند برای این محیط بانان دهنده یا آتش کوب بخرند یا لباس ضد حریق و بوتین بخرند، معلوم است نمی توانند در این حوزه کار کنند و این محیط بانان خود از خود ناراضی هستند و عملکرد کاهش می یابد و روحیه آنها خراب می شود و شاهد هستیم تعداد شهدا و مجروحان

افزایش می یابد. متاسفانه محیط بانان و جنگل بانان ما عناصر محسوس در جامعه محلی نیستند و مردم به آنها به دیده شک و تردید نگاه می کنند و این بسیار غم انگیز است و مقصر اصلی را مدیریت حاکم بر محیط زیست و منابع طبیعی می دانم که فهم درستی از این ماجرا ندارند.»

صرفا بانگه نظامی نمی توان محیط زیست را مدیریت کرد

مدت هاست اخباری مبنی بر تهیه و تصویب قوانینی به نفع محیط بانان و ارتقای منزلت و جایگاه حقوقی و اجتماعی آنها منتشر می شود منتها در عمل چنین مساله ای دیده نمی شود و واقعیت این است که هنوز هیچ تغییر قابل توجهی در وضعیت محیط بانان کشور ایجاد نشده و تمام آن اخبار هم در همان حدود خبر و شعار باقی مانده است. درویش در ارتباط با این مساله ضمن تأیید آن و همچنین انتقاد از مدیریت نظامی بر موضوع محیط بانان در کشور، گفت: «مرتب قوانینی را می خواهند در این حوزه تصویب کنند ولی بندی که مربوط به حمایت واقعی از محیط بانان و ارتقای منزلت آنها به دلیل اینکه می گویند برای دولت هزینه ایجاد می کند و یا در قلمرو محیط زیست نیست یا

مجلس نمی تواند وارد شود، در دقیقه ۹۰ رد می شود و عملا نتوانسته ایم این مشکل را برطرف کنیم. اصولا ذهن کسانی که این قانون ها را می نویسند، نظامی است؛ یعنی فرمانده یگان سازمان محیط زیست یا سازمان جنگل هایک نظامی است و نشان می دهد فهم درستی از محیط زیست و منابع طبیعی وجود ندارد، چون محیط بانان و جنگل بانان سرباز جنگ نیستند و در برابر دشمن خارجی قرار ندارند که به میدان تیر ببرد و بیاموزند چطور شلیک کنند. آنها نیاز به ارتقای درایت و فرهنگ دارند، نیاز دارند توان آکولوژیکی و سواد محیط زیستی و فهم بوم شناختی آنها افزایش یابد. یک سرهنگ ارتشی و سپاه هرگز نمی تواند چنین فهمی را به اینها بیفزاید و اینکه فکر کنیم با نظم نظامی و منطق

چکمه می توانید مشکل محیط زیست و منابع طبیعی کشور را حل کنیم، راه اشتباهی است. قوانینی که از ذهن سرهنگ ارتش و سپاه در بیاید و در مجلس برود، مشخص است این قانون هانی نمی تواند مشکلی را حل کند. هر چقدر مجازات ها را بیشتر کنید، متخلف و چوب بر و شکارچی می گوید اگر من دستگیر شوم تمام دارایی را از من می گیرند پس من چیزی برای از دست دادن ندارم پس می زتم یا کشته می شوم و می کشم. از سوی دیگر حدود ۵۰۰ نفر هم کشته شدند و به خاطر وجود متخلفان و شکارچیان است که این جنگ اعلام نشده اتفاق افتاده است. چرا به این سمت برویم؟ چرا کاری نکنیم مردم احساس کنند این محیط بانان و جنگل بانان فرزندان سلحشور آنها هستند که

از مایملک محیط زیستی مردم محافظت می کنند؟ این فعال محیط زیست در ادامه همچنین ضمن انتقاد از تعطیلی مدارس طبیعت توسط سازمان حفاظت محیط زیست و اثرگذاری ای که این مدارس می توانستند در تربیت جامعه دوستدار و فهم در مورد مسائل محیط زیست تراپی داشته باشد، گفت: «وقتی سازمان محیط زیست مدرسه تقویت را می بندد که کار این مدرسه این بود که انسان هایی را تربیت کند که در پیشگاه آنها نه گیاه هرزی وجود داشته باشد و نه جاندار زیانکاری وجود داشته باشد، معلوم است این محیط بانان یا جنگل بانان در پیشگاه مردمی که شما اجازه ندادید آگاه شوند، دشمن می شوند و با اینها درگیر می شوند.»

ژاپن با ۱۳۰ میلیون نفر جمعیت ۵۰۰ محیط بان دارد و ایران با ۸۰ میلیون نفر جمعیت، ۲۱ هزار نیرو!

یکی از بخش های جالب این گفت و گو آمار و اطلاعاتی بود که درویش در انتهای گزارش در ارتباط با تعداد محیط بانان در کشورهای مختلف ارائه کرد. به گفته این فعال و پژوهشگر محیط زیست ما الان در ایران حدود سه هزار محیط بان داریم و نیروهای سازمان جنگل ها هم ۴۰۵ هزار نفر هستند که در این حوزه انجام وظیفه می کنند. همواره گفته می شود که به ازای هر هکتار تعداد محیط بانان

یا جنگل بان خیلی کم است اما همین مساله نشان می دهد درک درستی از شرایط روز مدیریت عرصه های منابع طبیعی و محیط زیست در بین مدیران این دستگاه ها وجود ندارد. اخیرا با معاون سازمان محیط زیست ژاپن ملاقات کردم که ۱۳۰ میلیون نفر جمعیت دارد. کل تعداد پرسنل سازمان محیط زیست آن به ۵۰۰ نفر نمی رسد و سازمان محیط زیست ما حدود هفت هزار نفر پرسنل دارد

و سازمان جنگل ها حدود ۱۴ هزار نفر پرسنل. باز می گویم نیرو کم است. چرا در ژاپن نیرو ۵۰۰ نفر است و برای ۱۳۰ میلیون نفر کافی است و الان ۲۱ هزار نیرو برای ۸۰ میلیون ایرانی کم است؟ چون ۵۰۰ نفر از جمعیت مردمی خود به عنوان پاسدار عمل می کنند.

جمعیت ژاپن را طوری تربیت کرده اند که خودشان حافظ طبیعت هستند. از تکنولوژی های روز هم استفاده می کنند که اگر متخلفی وجود داشت، بتوانند چهره را شناسایی و او را بازداشت کنند. ما این کار را نکرده ایم و تنها ادعا می کنیم و این معضل ایجاد می شود. اصلا با افزایش تعداد محیط بان ها و یا جنگل بان ها شما نمی توانید امنیت را برقرار کنید.

